

بزرگداشت انقلاب عمان!

برای اولین بار در ایران و بنا به یک وظیفه انقلابی، بدعوت کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر مراسمی با شرکت بیش از ۵ هزار نفر درتجلیل از مبارزات قهرمانانه خلق عمان به رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. بلاکاردهای متعددی حاکی از پشتیبانی کامل از مبارزات خلق عرب در عمان و فلسطین و شعارها و علیه امپریالیسم و ارتجاع دیوارهای سالن را زینت می بخشید. سرودهای انقلابی فلسطینی و عمانی، مبارزه بی امان خلقها را علیه امپریالیسم و ارتجاع تداعی مینمود.

در ابتدا پیام کنفرانس وحدت قرائت شد. در این پیام تاریخی، مبارزه خلق عمان، مراحلی که ادامه در صفحه ۲

سالروز شهادت ۵۰ تن از کارگران قهرمان کوره پزخانه های تهران را گرامی می داریم!

طی سالهای بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد امپریالیستها و در رأسشان امپریالیسم انگلیس و آمریکا



سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیشکار

دوشنبه، بیست و یکم خردادماه ۱۳۵۸ - بها: ۱۰ ریال

ملی کردن در حرف، دولتی کردن در عمل

آنچه مسلم است این خشم و نفرت توده ها و مبارزات آنها با توجه به سطح بالای آگاهی و شناخت آنها نسبت به ماهیت بانکها نمی توانست بدون رسیدن به هدفهای اساسی در این راه متوقف گردد. این هدف عبارت بوده از:

ملی کردن بانکها یعنی قطع سلطه و نفوذ امپریالیستها در موسسات بانکی، از طریق مصادره کردن سرمایه های امپریالیستی و دلان داخلی آنها، تبدیل کلیه بانکها به بانک واحد و اعمال دادرسی انقلابی بر آنها از طریق "شورای کارکنان" بانکها

ادامه مبارزه

به همین لحاظ بود که پس از قیام، توده های ادامه در صفحه ۲

بانکها یکی از وسایل استثمار نیروی کار کشور ما و یکی از اهرمهای مهم امپریالیسم جهانی برای چپاول ثروت های ملی و یکی از مظاهر بارز وابستگی به امپریالیسم بشمار می آید.

توده های ستمدیده ما سالیان دراز با پوست و گوشت خود این استثمار و این چپاول را لمس کرده اند از همین رو با اوج گیری مبارزات انقلابی، خشم و نفرت بی پایان خود را به بانکها، به این موسسات غارتگر امپریالیستی با آماج حمله قرار دادن این مراکز، به آتش کشیدن آنها، عدم پرداخت دیون و اقساط بانکی و همچنین افزایش هرچه بیشتر ماهیت عملکرد بانکها از طریق کارکنان مبارزبانکها و نیروهای انقلابی و... به نمایش گذاشتند.

ما در کجای تاریخ قرار داریم؟

جبهه ملی ایران - تحولات خوزستان در رابطه با مسائل این منطقه بیانیه ای منتشر ساخته و ضمن آنکه خواستار شده تا به " مردم و مملکت روشن شود " که " ما اکنون در کجای تاریخ ایستاده ایم "، شروع به ابراز نظر نموده است.

بهر است بدون هیچ مقدمه ای به درس تاریخ آنها گون فرا دهیم.

درس اول: تسلیم یادگانهای نظامی در روزهای پیروزی انقلاب و پخش شدن اسلحه در بین مردم... تا... شید کننده این نظر بود که امپریالیسم در صداداست که انقلاب را با ضد انقلاب سرکوب کند. (کیهان ۱۷ خرداد، اعلامیه مذکور) نتیجه گیری: تسلیم یادگانها و تسلیم توده ها خواست و نقشه امپریالیسم و برای سرکوب انقلاب؟ با ضد انقلاب بود.

چه درس آموزی شگرفی! روشنفکران بورژوازی ما چقدر خوب دست خود را رو کرده و کار ما را آسان و تکلیف توده ها را روشن می سازند. این آقایان که تا همین اواخر با افتخار عنوان می کردند که بسرای آنها "شکل حکومت" یعنی سلطنت یا جمهوری، مهم نیست (از مباحثه های سنجایی)... بلکه مهم دمکراسی است و به توده ها چنین وانمود می کردند که گویا شکل حکومت با محتوای آن ربطی نداشته و در سلطنت و آنچه سلطنت شاه جلد نیز وجود دمکراسی امکان پذیر است و بدین ترتیب به تطهیر و تقدیس چهره خونخوار شاه پرداخته و توده ها را به سازش و بندوبست با سلطنت دعوت می نمودند.

اینان که در دوران بختیار (این یار دیرینه شان) تمام تلاش خود را بکار بردند تا توده ها را فریبند، آنها را به "مشروطه" قانع کردند و انقلاب را از مسیر خود منحرف سازند.

اینان که پس از به شکست انجامیدن تلاشهای نجات سلطنت، توده ها را از اقدامات انقلابی و دیکال ترانسند و می خواستند، سیستم حکومتی قبلی را با کمی روغن کاری، بدون لطمه خوردن به منافع و موقعیت امپریالیسم، بدون دست خوردن به

● بیکاری، عمل اساسی، راه حل های اساسی

و دولت موقت "انقلابی"! ۴ صفحه ۴

● گرامی باد خاطره مجاهد شهید: رضارضایی

● اخبار کردستان ۸ صفحه ۲

جبهه های متعدد ضد انقلاب را

در خوزستان افشا کنیم!

دولت موقت بخاطر ماهیت بورژواژاژیش در حائل مسئله بسیار مهم و مبهم خلقهای ایران عاجز است و عملاً مسئله خلقها را به صورت کلاف سردرگمی درمیآورد که بازگشودن آن روز بروز مشکلتر می شود. عدم شناختی حقوق حقه خلقهای ایران و اعمال سیاست آرام سازی از طریق ریش سفیدی و قسم دادن - آنچه برای آنکه فرصت بیشتری برای سرکوب خلقها بدست آید - لاس زدن و بالاتر از آن همدست شدن با مرتجعترین نیروهای ماسی یعنی: اردلانها و روسای تپابسل، نادیده گرفتن حل مسئله ارضی، تکرار اتهاماتی که رژیم سابق میزد و هرگونه مطالبه برای احقاق حقوق ملی را بیپای تجزیه طلبی میگذاشت و بالاخره بپس نیروهای مترقی خلقها و عناصر سرسپرده تجزیه طلب فرقی قائل نشدن، همگی نمودهای سیاست نامیون و بورژواژی است که دولت تاکنون اعمال نموده است.

در خوزستان نیز قضیه در نتیجه اعمال چنین سیاستی به وخامت بیشتر میگراید. روشن است وقتی رهبری نتوانست و نخواست توده های آگاه را بر محور خط منی و برنامہ های انقلابی بسیج و سازمان ندهد - کند، راه برای عناصر فریب طلب و تفرقه افکن و تجزیه طلب و آلت دست فراهم می شود.

بهرحال، از یکطرف موضوع حق ملیتها و در این جا بطور مشخص حق خلق عرب ایران را نباید تحت الشعاع برخی انحرافات و توطئه های تجزیه طلبانه که مسلماً جنبه غالب ندارد قرارداد. جهت گیریهای ناسالم و تحریکات داخلی یا خارجی همواره محکوم اند و تنها با آگاهی توده های و راه حل های انقلابی می توان آنها را خنثی ساخت.

از طرف دیگر، مسئله سرکوب خلق عرب تحت لوای مبارزه با تجزیه طلبی به هیچ رو قابل توجیه نیست و این همان شیوه ای است که رژیم جنایتکار پهلوی با توسل به آن به سرکوب خلق های پرداخت. کشتار اخیر خوزستان و حمله به خلق عرب و مراکز خلقی از جانب نیروهای ارتش و پاسداران محکوم است. تنها راه مبارزه با تجزیه طلبی و عالمی بیگانه که میکوشد خود را در صفوف خلق عرب جا بزند، رسیدن خلق عرب به خواستهای عادلانه خود در چهارچوب ایران دمکراتیک و انقلابی است. ■

ماشین دولتی و بخصوص ارتش، به خورد توده ها بدهند. آری برای چنین کسانی تسلیم توده های مردم سوط و نه تسلیم یادگانهای ارتش که موجد ارتش و ابتکار خلافت بوده ها و با گنبری و جوش ارتش خلقی می گردد، حکم سم کشنده را دارد، آنها مجبور - که قیام مسلحانه و مشهورانه توده ها را کسا امپریالیسم قلمداد کرده و پیروزی واقعی را شکست انقلاب جلوه دهند. این به هیچوجه تعجب آور نیست، بلکه اگر بجز این بود، می توانست شگفت آور و حتی شک بر انگیز باشد. ادامه در صفحه ۳

خاطره شهید روحانیت مبارز

آیت الله سعیدی، گرامی باد

ده سال پیش در روزهای سیاه سال ۴۹ زمانیکه امپریالیستهای جهان خوار خلق های ما را وحشیانه غارت میکردند زمانیکه رژیم شاه صداها را در گلو خفه میکرد و تکجوش های مقاومت را چنان مورد حمله قرار میداد که از شاخه و درخت اثری نماند، در آن روزها در کنار مبارزات گوناگون خلق، صدای روحانیت مبارز، روحانیت افشار زحمتکش خلق نیز پگوش میرسید، چه بسا رساتر و بر پایه سنتهای مذهبی موجود، مؤثرتر.

آیت الله محمد رضا سعیدی هنگامیکه از تجمع چند صد نفر سرمایه داران امریکائی در اوائل ۴۹ در تهران مطلع شدند بیانیته ای صادر کردند و تلاش امپریالیستها و رژیم را که منظور غارت مردم بصورت میگرفت محکوم نمود. موضع ضد امپریالیستی آیت الله سعیدی با توجه به انعکاساتی که می توانست در سطح جامعه داشته باشد نه تنها موجب تسکین بلکه شجکه او تا سرحد شهادت گردید. در همان زمان مهندس سرنیک داودی و صدها مبارز بی نام و نشان دیگر نیز شهید گشتند و هریک مشعلی شدند که شبستان تاریک کشور ما را بتدریج طی سالهای ۵۰ روشن کردند و پس از قیام های سراسری سرانجام در بهمن ماه ۵۷ خرمون رژیم شاه خائن را بآتش کشیدند. یاد همه عزیزان خلق منجمه آیت الله سعیدی که جان در راه ایمان و عقیده خویش و در جهت پیروزی زحمتکشان گذاردند، گرامی باد. خون آن شهیدان که علیه شاه و اربابانش مبارزه کردند، پیام آور حفظ همبستگی و اتحاد خلق نیروهای ضد امپریالیست خلق است. این پیام را پاس داریم.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

حماد شیبانی را آزاد کنید!

گواهی باد خاطره مجاهد شهید:

رضا رضائی



۲۵ خرداد ۵۲ مجاهدی دیرومبارزی خستگی ناپذیر که همچون دیگر همزمانش جان خوش را در راه مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست نشانده شاه و در جهت بهروری زحمتکشان خلق گذارده بود بدست دژخیمان ساواک شهادت رسید.

رضا یکسال و نیم در سخت ترین شرایطی که آنروزها بر جامعه ما و بر سازمانهای انقلابی میگذشت با شکیبایی و احساس مسئولیت انقلابی رهبری سازمان مجاهدین را بعهده داشت.

آنچه در اینجا گفتنی و تأکید بر آن لازم است جبهتی است که رضا و همزمانش در مبارزه اختیار کرده بودند و آن عبارت بود از منافع زحمتکش ترین اقشار جامعه را در مد نظر قرار داشتن در همین رابطه است که رضا بین خط مشی مجاهدین و خط مشی آنها که مصلحت اندیشانه ام از حمایت مجاهدین میزند قاطعانه خط منافی انقلاب میگذشت با موفقیتهای هم رسیدن به افراد پر مدعا ی فرصت طلب که امروز بمقامات عالی هم رسیدن است، رضا گفته بود: "وقتی قالی های کرماتی چند لایه را از زیر پایش بیرون کشیدیم آنوقت معلوم میشود که چقدر طرفدارا است." این بود چشم انداز راهی که رضا می پیمود.

خونخوار داخلی و خارجی در بانکها صحنه گذاشته است. دو کلمه "مشروع" و "مشروط" همان کلاه شرعی معروف برای درامان نگه داشتن این سرمایه ها، از "خطر" مصادره به نفع خلق است. معلوم نیست سرمایه دارانی که سالیان دراز نیروی کار زحمتکشان ما را استثمار کرده اند، سالیان دراز تولید کنندگان و فروشندگان کوچک را غارت کرده اند، سرمایه دارانی که چند برابر سرمایه اولیه خود را یا به خارج برده اند یا صرف عیاشی و خوشگذرانی های خود کرده اند به چه نحوی حق مالکیت "مشروع" و "مشروط" می توانند داشته باشند؟ معلوم نیست سرمایه داران غارتگر امپریالیستی و دلالان داخلی آنها، که ساواک و ارتش ضد خلقی و غیره و غیره همه برای حفظ منافع آنها، پاسداری از غارتگری آنها، و تضمین بقای آنها بوجود آمده بود. چگونه مالکیت شان از جانب "دولت موقت" "مشروع" و "مشروط" تلقی میشود. واقعا آنها حتی یک سرمایه دار بانکی (اعم از خارجی و داخلی) میتوانند در سیستم گذشته مالکیت "مشروع" و "مشروط" داشته باشند؟ یا معنای "مشروط" و "مشروع" از جانب بورژوازی از این جمله "دولت موقت" چیز دیگری است؟

ادامه از صفحه اول ملی کردن...
انقلابی و تمام نیروهای م. ل و دمکرات و ضد امپریالیست، بحق بر شمار ملی کردن بانکها (با همان محتوایی که گفتیم) و تحقق این خواست اساسی توده ها تا کنونی می کردند. در این میان از جانب نیروها و عناصر خلقی که در سیستم حکومتی فعلی شرکت دارند نیز نمایان مشخصی در مورد برآوردن این خواست دیده می شد (تظییر مواضع جاما و دکتر سامی) که عمدتاً بر همان اصل مذکور یعنی قطع سلطه سرمایه های خارجی از بانکها (منتضی با همان سیاست خاص خود) تکیسه می نمود.

اما "دولت موقت" و سایر محافل بورژوازی شعار ملی کردن واقعی بانکها (و اعمال نظارت انقلابی بر آنها) را همانند دیگر خواسته های توده های ستم دیده که بخاطر تحقق آنها انقلاب کرده اند، غیر عملی و چگیرایانه ارزیابی کرده و در مقابل به سیاست بورژوازی خود در حفظ سیستم قبلی بانکها از طریق کمک مالی و دادن تضمین به آنها ادا می دادند.

معین فر رئیس سازمان برنامه در این مورد ضمن کمرونگ جلوه دادن اعمال غارتگران صاحبان سهام عمده این بانکها (مؤسسين و سرمایه گذاران اصلی آنها) می گوید:

" طی چند ماه گذشته بانکهای خصوصی ... از بانک مرکزی میلیاردها ریال وام گرفته اند تا بتوانند تعهدات خود را انجام دهند و از طرف دیگر وضع برخی از بانکهای خصوصی ... بنحوی بود که اگر کمک های دولت ... به آنها قطع میشد احتمال ورشکستگی آنها وجود داشت ..."

همینطور، حتی مواردی بود که از جانب مقامات بانکی "دولت موقت" مسئله ملی شدن بانکها منتفی اعلام میشد ...

• ناچاری دولت

اما برای دولت ادامه این سیاست چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اقتصادی ناممکن بود:

از لحاظ سیاسی، فشار توده های ستم دیده و آگاه و نیروهای انقلابی که خواستار قطع کامل نفوذ امپریالیست ها از بانکها بودند از یکطرف و عملکرد و فشار نیروها و عناصر یک در سیستم کنونی حکومتی شرکت دارند - از درون این سیستم - مانع آزادانه وضع بانکها بصورت سابق بود.

اما از لحاظ اقتصادی، حل بحران همه جانبه اقتصادی و نجات دادن سرمایه داری از این بن بست و رکود، سرمایه داری ایران را با مسائل مبرمی در رابطه با بانکها روبرو میکرد که ما اشاره کوتاهی به برخی از آنها می کنیم.

اول اینکه سیستم بانکی موجود به لحاظ فرار سرمایه ها از جانب نهادان اصلی آن و عدم پرداخت دیون از جانب توده های خرده پا که این عدم پرداخت علاوه بر فراق اقتصادی دارای جنبه های مشخص سیاسی نیز - که ناشی از نفرت این توده ها به بانکهاست - می باشد، بدین ترتیب با عدم پرداخت این دیون، بانکها عملاً در معرض ورشکستگی قرار دارند.

دوم اینکه بدلیل همین خنثی و ورشکستگی، مبادلات بازرگانی و معاملات دیگر خارجی و داخلی، که بر اساس سیستم بانکی صورت میگیرد دچار اشکالات اساسی است.

سوم برای سرمایه داری ایران برای خروج از این بن بست، می بایست حداقل به یک رقم هرچند سطحی تن در دهد تا بتواند توده های بدهکار خرده پا و متوسط را وادار به پرداخت دیون خود (این بار نه به بانکها بلکه به دولت موقت "انقلابی") از یک طرف و ایجاد تحرک در زمینه مبادلات بازرگانی و معاملات دیگر و ... نماید. و با توجه به اینکه این رقم بیشتر برای نجات سرمایه داری صورت میگیرد اما شاهد بی توجهی به اساسی ترین خواست توده ها هستیم. تا کنونی که در قانون "ملی کردن بانکها بر حفظ حقوق سرمایه های امپریالیستی و دلالان داخلی آنها با عنوان " ... ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط ... شده است بخوبی نشان میدهد که "دولت موقت" از موضعی که توده ها خواستار ملی کردن بانکها هستند، عملی نکرده است. بلکه بالعکس بر "حق" مالکیت سرمایه داران

ادامه از صفحه اول بزرگداشت...

انقلاب طی سالهای گذشته پیموده، حملات امپریالیستها و مرتجعین عرب و دخالت ارتش شاه سابق برای سرکوب انقلاب و همچنین اوضاع کنونی جنبش انقلابی عمان و جلوه های همبستگی و روابط بیمن انقلاب عمان و انقلابیون ایران مورد بحث قرار گرفت. سپس پدر رفیق حماد شیبانی چریک فدائوسی خلق، درباره دستگیری، فرزندش و اعتصاب غذای او صحبت کرد و جمعیت با فریاد "حماد شیبانی آزاد باید گردد" حمایت خود را از این مبارز زندانی و بطور کلی از ضرورت موقوف شدن هرگونه اقدام علیه نیروی انقلابی ابراز داشتند. سپس یکی از هموطنان مبارز و سالخورده قطعه شعری را که در حمایت از مبارزات خلق عمان (ظفار) سروده بود قرائت کرد که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. پیامهای نیز سویی دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر، شورای موسس کانون دبیرمه های بیکار تهران، گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست - بیکار خلقی - دانش آموزان مبارز گروهی از کارگران بیکار قرائت گردید. ناگفته نماند که بخاطر ضعف نظارت کمیته برگزار کننده در برخی پیامها موضع گیریهای اتخاذ شده که لازم است نظر کنفرانس وحدت نمی توانست باشد. سپس قطعنامه میتینگ از سوی اجتماع کنندگان تصویب گردید که متن آنرا در همین شماره ملاحظه مینمائید. در پایان، فیلم "دقت ساعت التحریر بزرگ با جمعیت" در لحظه آزادی فرا رسید. استعمار گورت را گم کن - که یکی از بهترین فیلمهای است که در بهار انقلاب عمان پیش از حمله ارتش شاه به مناطق آزاد شده ظفار تهیه شده - نمایش داده شد.

ما امیدواریم این تجلیل سزاوار مرفی بیشتر انقلاب عمان به مردم مبارز ایران بوده و در تحکیم همبستگی با خلق قهرمان عمان که خود از قربانیان رژیم شاه خائن می باشد، کمک کند.

کمیته تبلیغات سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر نیز در بزرگداشت این روز تقویم دیواری ویژه ای که با تمایزی از انقلابیون عمان زمینست یافته همراه با نواری از سرودهای انقلابی عمانی منتشر ساخت.

قطعنامه

پیام شرکت کنندگان در میتینگ نهم ژوئن در تهران به جبهه خلق برای آزادی عمان:

درود ما و کلیه توده های مبارز ایران را بمناسبت چهارم دهمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق عمان بپذیرید. توده های ما مبارزات دلیرانه خود سوزیه با مبارزات یکسال و نیم گذشته و قیام مسلحانه - بهمن ماه توانستند رژیم ۲۵ ساله سلطنتی و ته مانده آن شاه خائن را سرنگون کنند و این کار بوسه ارتجاع و امپریالیسم ارائه نشدند. آنها از سر خود بلکه از سرما می خلقهای منطبقه دور نمایند. اینک ما بس از برداشتن اولین گام بیروزی و در حالیکه همچنان برای قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم و بقایای ارتجاع مبارزه میکنیم، اعلام میداریم که مبارزات شما همیشه مورد تأیید و ستایش توده های مبارز ما بوده و هست. خلقهای ما همچنان تاریخ کن کردن کامل امپریالیسم از ایران و دیگر نواحی منطقه به مبارزات خویش، دست در دست شما، ادامه خواهند داد.

همزمان گرامی

- ۱- ما مبارزات عادلانه خلق شما را در راه آزادی عمان تا پیروزی کامل تا بید میکنیم.
- ۲- ما اقدامات ارتش شاه سابق را علیه خلق و انقلاب شما محکوم میکنیم و خواستار مجازات مرتکبین آن هستیم.
- ۳- ما معتقدیم که در برابر برتیا همه جا نیه امپریالیسم و ارتجاع باید صف متحدی از خلقها و نیروها منطقه بوجود آیند. اتحاد خلقهای ما و خلق عرب در عمان و فلسطین و جاهای دیگر پیوندی ضروری است.
- ۴- ما هرگونه سرپوش دادن بر جناحیات ارتش شاه در عمان و هر گونه بی اعتنائی با انقلاب عظیم خلق شما را محکوم نموده
- ۵- ما معتقدیم همانگونه که انقلاب فلسطین بحق در ایران نمایندگی دارد، داشتن دفتر نما بندگان برای کمک به مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق عمان نیز ضروری است.

با درود فراوان به شهدای انقلاب در ایران و عمان

اجتماع کنندگان میتینگ نهم ژوئن (۱۹ خرداد) تهران

هموطنان مبارز!

کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران - تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امپرو) آباد جنوبی سابق اواریز نمائید.

از انتشارات جدید سازمان:

تعلیمی از روش سیاسی جبهه (۲)

کتاب سوره

ژبنه های اقتصادی - سیاسی

قیام بهمن ماه ۵۷

تعمیر و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران (۵۲-۵۴)

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

درین دوم: "تیراندازی های چند روز گذشته (خوزستان) ... نتیجه شکیبائی بیجایی بود که متاسفانه در مرکز وجود داشت" (همانجا) نتیجه گیری: دولت می باستی خیلی زودتر از این به دولت خلق عرب می پرداخت.

از نظر جنبه ملی دولت از این لحاظ که حقوق خلقها را نادیده میگیرد و مانع رسیدن آنها به خواست های عادلانه می گردد به هیچ وجه مقرر نیست. بلکه گنا و شکیبائی بی جای او در آنست که از همان اول با قدرت تمام و به زور اسلحه به سرکوب نموده و اعمال تام و کمال خفان و ترور متوسل نشده، تا خلقها نتوانند حتی خواستهای خود را نیز بیابان داشته و برای بورژوازی در دسر ایجاد کنند.

درس سوم: "از یکطرف روابطن را با بخشی از دنیا تیره میسازیم تا در مجموع دنیای غرب و بالاخص به نهضت فلسطین کمک کنیم، از طرف دیگر همیشه که می باستی صمیمانه دست دوستی مسلمانان را بشارند، مسلم تربیت پرچم ده میهن ما کسب می کنند"

نفرت و خشم بی پایان این آقایان را از اینکه روابط عادی با نهضت فلسطین برقرار شده است، نگاه کنید!

این آقایان روشن فکران بورژوازی چقدر راحت اند که چند روزی روابط با امپریالیستها شکر آب شده است. و چقدر کم تحمل اند که چند روزی سفیر کبیر آمریکا در ایران را نمی بینند!

آنها می خواهند بهر نحوی که شده ثابت کنند روابط با خلقها به نفع دولت یعنی به نفع بورژوازی نیست و همخوانی خود را در دولت نصیحت نمیکند تا سر قفل بیابند. اما آنها فراموش کرده اند که خلقهای ما با تجربه کردن ۱۵ خرداد و قیام های سال ۵۷ و بالاخره قیام بهمن ۵۷ مهر باطل بر تمام شیوه های بستن و بستنی و تسلیم طلبی سران جنبه ملی زده اند و امروز مردم ما با پوست و گوشت و استخوان خود احساس میکنند که وقتی "آقای سنجابی" می گوید که:

"علت استغفار من مخالفت با دولت نیست، بلکه مخالفت با بی دولتی است."

منظورش این نیست که دولت در اینکه در راه ادامه انقلاب تا پیروزی نهائی یعنی قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم مانع ایجاد می کند، در اینکه حقوق ملی خلقها را به رسمیت نمی شناسد و ... مورد انتقاد می باشد، بلکه فقط از این جهت قابل مخالفت است که با برقراری دیکتاتوری، فاطمه از منافع بورژوازی و اربابانش دفاع نمی کند. خلقها را با جسارت و قدرت هر چه بیشتری سرکوب نمیکند و ...

تاریخ چقدر خوب واقعات را روشن ساخته و نشان میدهد که جنبه ملی در کجای تاریخ قرار دارد؟

سخنان یک روستایی

یکی از روستائیان بی زمین روستای حمید از اطراف میانده آب می گفت: ما در رژیم گذشته از همه چیز محروم بودیم، زیر ظلم و ستم اربابان و ژاندارمهای دولت بسر می بردیم، آواره شهرها شده با مزد های کم بی خبر از زن و بچه مان برای سرمایه داران کار می کردیم. آن موقع که دولت وام کشاورزی می داد بما می گفتند: وام کشاورزی را به آنها بیکه زمین دارند می دهیم.

بعد از عید وقتی دولت می خواست بروستائیان وام دهد ما نیز مراجعه کردیم ولی بنا گفتند: قبالتسه ندارید. گفتیم: زمین های ما را اربابها گرفته و سپس ندانند ولی آنها قبول نکردند. چرا حالا که دولت اسلام می خود را حامی زحمتکشان قلمداد می کند آن جوابی را که دولت گذشته با داده بما می دهد تازه وام را به کتا ورزان با بهره می دهند در صورتیکه قبل از انقلاب می گفتند در دولت اسلام از نزول و بهره خبیری نخواهد بود.

جنبش دهقانی اوج میگیرد

جنبشهای دهقانی ملی بخصوص پس از قیام بهمن ماه اوج تازه ای یافته است. در تاریخ مبارزاتی میهن ما هیچگاه جنبشهای دهقانی و ملی تا به این حد از رشد و شور و زندگی دست نیافته بودند. قطب بندی طبقاتی در مناطق روستائی و بخصوص در مناطق مسکونی ملیت ها بشدت در حال تکوین است. سازمان توده های تحت ستم، دهقانان رنج دیده از یک طرف، و فئودالها و مرتجعین از جانب دیگر به سرعت دارد شکل میگیرد. دهقانان ستم دیده برای نابودی بقایای سیستم کهن و جا برانه، و برای به دست آوردن حقوق حقه خویش در حال ایجاد و گسترش اتحادیه های انقلابی خود هستند. در همان حال فئودالهای محلی و مرتجعین نیز برای حفظ مناسبات کهن، اتحادیه ها و تشکیلات ضد انقلابی و ضد خلقی خود را بوجود می آورند. در حالیکه در بسیاری مناطق حمایت دولت موقت و برخی کمیته ها را پشت سر خود دارند.

سرنوشت انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ستم دیده میهن ما بیش از پیش وابسته به چگونگی و بقا و رشد این قبیل موسسات خلقی از یک-

بیانیه اتحادیه ده نشینان منطقه تیلکوی

بسم الله الرحمن الرحيم

ما کشاورزان و خوش نشینان روستاهای منطقه تیلکوی شهرستان سقز روز دوشنبه مورخ ۵۸/۲/۱۷ ساعت ۲ بعد از ظهر به منظور اتحاد و اتفاق بیشتر با هم و در جهت پیشبرد اهداف خود و مقابله با هر خطری که جان و مال و ناموس ما را تهدید میکند در روستای جنیان جمع شده و انجام خواسته های خود را بشرح زیر از دولت موقت اسلامی و رهبری امام خینی خواستاریم:

۱- با اینکه آیت الله طالقانی و داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی و احمد صدر حاج سید جواد وزیر کشور خواستهای بر حق ملت کرد را تأیید کرده اند، که همان قطعه نامه ۸ ماده ای مهاباد و قطعه نامه سندج میباشد ولی متاسفانه تا کنون دولت موقت در این مورد سکوت کرده و هیچ گونه اقدامی ننموده اند بلکه دولت موقت برنامه های رادیویی کردی را بدون اینکه دلیلی داشته باشد قطع کرده اند. ما بار دیگر خواستهای بر حق خود را تکرار میکنیم و شیخ عزالدین حسینی را تنها نماینده و سخنگوی ملت کرد با دولت موقت میدانیم.

۲- در صورت دایر شدن یا ساگهای ژاندارمری در منطقه انتخاب روسا و افراد انتظامی (بیشمرگه) باید با نظارت و تأیید نمایندگان اتحادیه ده نشینان انجام گیرد.

۳- تعیین فرماندار را باید برای مردم شهر و روستا صورت پذیرد.

۴- تعیین بخشدار که حوزه ما موریتش سطح روستاهای منطقه است باید با نظارت و تأیید نمایندگان اتحادیه ده نشینان صورت گیرد.

۵- توجه به بهداشت روستاها و احداث و دایر نمودن درمانگاهها در روستاهای منطقه.

۶- احداث و دایر نمودن حمام و تأمین برق برای تمام روستاهای منطقه.

۷- تأمین آب آشامیدنی روستاها و اقدام در مورد تأمین آب کافی برای آرازی مزروعی از طریق حفر چاه عمیق و نیمه عمیق و قنات و بستن سد بر روی رودخانه ها.

۸- دادن وام دراز مدت و بدون بهره به کتا ورزان و دامداران و خوش نشینان.

۹- چنانچه پدر و کود سهمیه این شهرستان از مرکز ارسال شد تقسیم آن در بین روستائیان با نظارت اتحادیه ده نشینان باید صورت گیرد.

۱۰- اقدامات عمرانی در مورد سوسازی های کشاورزی و ساختن و احداث جاده شوسه برای دهات.

۱۱- خلق سلاح نمودن فوری محمد صدیق خان چاف و قطع کمک و اخراج دارودسته خود فروش قیاده موقت.

۱۲- محکوم نمودن شورای عشائری که بوسیله فئودالهای ضد خلقی و مرتجع محلی در شرف تاسیس آن است و در ضمن خرده مالکانی که مانند ما زحمتکشند و با فئودالها رابطه ای ندارند برادر ما هستند.

۱۳- بخشودگی پرداخت وجه قبوض اقساطی به کتا ورزان.

۱۴- لغو اجاره بهای ساختن از خوش نشینان بوسیله مالکان.

۱۵- فروش کتدم به خوش نشینان به منظور استفاده خود و خانواده شان از طرف اداره غله به قیمتی که به نانوایان شهر فروخته میشود.

۱۶- ما با تمام ثدرت پشتیبانی خود را از اتحادیه دهقانان (به کیه تی جونیاران) مریسوان و هورمان - کامیاران - سردشت اعلام میداریم.

۱۷- ما شدیداً جنگهای تحمیلی و خانمان سوز - سندج - گنبد کاووس - نغده را محکوم میکنیم و خواه ستار مجازات عاملین و مسببین این واقعه های جان گداز میباشیم از دولت موقت میخواهیم که در ایمن موارد سکوت ننماید چون بی توجهی دولت موقت جمهوری اسلامی باعث هرج و مرج و ناامنی در منطقه میگردد.

و تا کنون ثابت شده که سکوت دولت باعث تقویت ارتجاع شده است.

۱۸- ما عمل خائسانه مالکین مرتجع ارومیه - سلماس - علیه دهقانان آن منطقه را محکوم و پشتیبانی خود را از دهقانان آواره شده اعلام میداریم.

۱۹- ما کشاورزان از دولت موقت میخواهیم که محصول کشاورزی را به قیمت عادلانه خریداری نماید و نماینده کتا ورزان در تعیین نرخ محصولات شرکت داشته باشد.

اسامی روستاهای شرکت کننده در جلسه اتحادیه ده نشینان منطقه تیلکوی:

- ۱- جنیان ۲- ایراب ۳- قلعه جقه ۴- ایرانشاه ۵- هامن آباد ۶- شریف آباد ۷- شمش ۸- تیما نلغه ۹- تازه آباد ۱۰- باسماق ۱۱- جعفرخان ۱۲- گاوه کج علیا ۱۳- گاوه کج سفلی ۱۴- علی آباد ۱۵- تخت ۱۶- ایسوب ۱۷- تصربیک ۱۸- شا شاگل ۱۹- چناره ۲۰- حانه میران ۲۱- سیف آباد ۲۲- چابان ۲۳- قلعه گاه کور کور ۲۴- قره گل ۲۵- قاچیان ۲۶- فلاح آباد ۲۷- کانی سیدشکوه

بنظر ما این بیانیه یکی دو موضوع مهم را در رابطه با خواست های دهقانی از قلم انداخته و نسبت به آن توجه نکرده است. یکی موضوع مهم و بسیار

اساسی ممانده زمین های فئودالی به نفع دهقانان است، و دیگری اداره مجتمع های بزرگ کشاورزی (کشت و صنعت و ...) ممانده شده توسط شوراها دهقانی.

مقدمه

در شماره قبل توضیح دادیم که بیکاری در رژیم سرمایه داری امری ناگزیر است. و گفتیم که حاکمیت رژیم سرمایه داری وابسته بر میهن ما، به بیکاری ابعاد بسیار بزرگتر و گسترده تری داده است. همچنین توضیح دادیم که حل اساسی مسئله بیکاری فقط در صورتی ممکن میگردد که رژیم سرمایه داری وابسته سرنگوی جمهوری دمکراتیک خلق، به رهبری طبقه کارگر جایگزین آن گردد. در عین حال که حل قطعی و نهائی مسئله بیکاری صرفا در جامعه سوسیالیستی امکان پذیر میگردد.

و به نقش دولت موقت اشاره کردیم و نشان دادیم که چطور عملا در مقابل خواستهای اساسی و اصولی توده های خلق ما و بخصوص طبقه کارگر مقاومت مینماید و به همین دلیل، هرگز قادر نخواهد بود به مسئله بیکاری جواب قطعی بدهد. در این شماره ما به طرحهای مختلفی که تا بحال در مورد تأمین زندگی کارگران بیکار - چه از طرف کارگران و چه از طرف دولت موقت - عنوان شده است، میپردازیم.

قسمت دوم - طرح

ما گفتیم که اصولاً حل "قطعی مسئله بیکاری در رژیم سرمایه داری نه فقط ممکن نیست، بلکه سرمایه داران برای پاشین نگه داشتن سطح دستمزد ها و مقابله با مبارزات کارگران و... همواره مایلند که در صدی از کارگران بیکار باقی بمانند. در ضمن واضح است که دولت فعلی به علت خصلت ضد انقلابی و ضد کارگری خود، همانطور که تا بحال در عمل نشان داده است، قادر نیست گره گشای مسئله کارگران بیکار و بیکاری باشد. اما این بدان معنی نیست که کارگران از هرگونه کوششی برای بدست آوردن حقوق خود از همین دولت، چشم پوشی کنند. کارگران در عین حال که معتقدند حل قطعی مسئله بیکاری نه تنها توسط این رژیم بلکه توسط هیچ رژیم سرمایه داری دیگری ممکن نیست. باید با تشکیل هرچه بیشتر خود و اعمال فشار، دولت را به عقب نشینی و دادن امتیازات بیشتر وادار نمایند.

سوالی که در اینجا برای ما مطرح میشود این است که این شکل چگونه بایستی باشد، و کارگران حول کدام طرح اصولی بایستی گرد بیایند تا موفقیت آنها در عقب نشاندن رژیم و کسب امتیازات از آن، موفقیت آمیز باشد؟

کدام طرح برفع کارگران است؟

در مورد چگونگی این شکل ما در شماره آئینده صحبت خواهیم کرد، در اینجا میپردازیم به اینکه کارگران بیکار از ابتدای شروع مبارزاتشان چه طرحهایی را در دستور خود قرار دادند، و کدامیک از آنها اصولی و صحیح بوده است، از طرف دیگر دولت چه طرحی را ارائه کرده و با طرح کارگران چه برخوردی داشته است؟



به تدریج و همراه با شدت گرفتن بحران سیاسی-اقتصادی رژیم منقر پهلوی، مبارزات کارگران بیکار در اشکال مختلف شروع شد. عمومی ترین شکل این مبارزه، تحصن در کارخانه ها بود. سرمایه داران، وقتی اوضاع را نابسامان دیدند (از نظر خودشان) و خطر را احساس کردند، دسته دسته فرار میکردند و سرمایه های کلانی را به همراه خود می بردند. آنها می رفتند و کارگران در کارخانه ها بیکار میشدند. کارگرانی که یک عمر مورد اجحاف و استثمار قرار گرفته بودند، بازم در شرایط سخت تری قرار میگرفتند. تحصن های زیادی مخصوصاً در تهران و شیراز و آبادان و اصفهان بر پا شد. ولی کم کم فکر راه پیمائی مستقل کارگری در کارگران پیدا میشد و حتی بیکار توسط کارگران سیمان ری نیز در تهران تظاهرات مستقل کارگری انجام گرفت.

بعد از قیام این سیر تکاملی ادامه یافت. کارگران در تظاهرات خیابانی و تحصن های مختلف خواستهای به حق خود را مطرح میکردند. اولیین

خواست آنان "حق کار" بود. کارگران کار میخواستند. آنها میگفتند:

"به ما کار بدهید تا کار کنیم و شکم زن و بچه هایمان را حداقل مثل گذشته نیمه سیر نگه داریم."

کارگران میگفتند:

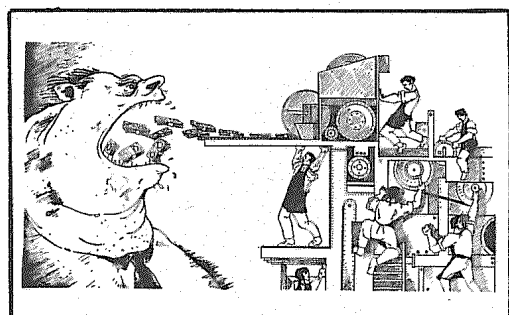
"سرمایه داران داخلی و خارجی وقتیکه کارخانه ها کارشان رونق داشت با دستمزد های ناچیزی ما را استخدام میکردند، حالا که دولت جدید سرکار آمده و به برکت قیام مردم بسیاری از سرمایه داران فراری شده اند، باید برای ما "کار" تهیه کنند. ما کار می خواهیم تا در سازندگی مملکت سهمیم."



بیکاری، عامل اساسی، راه حل های اساسی و دولت موقت "انقلابی"!

اما گوش دولت به این حرفها بدهکار نبود. کارگران ملی شدن بانکها، ملی شدن سرمایه ها و صنایع بزرگ و وابسته، ممانده زمینهای زمینداران بزرگ و وابسته را می طلبیدند و بدرستی تشخیص میدادند که حل مشکل بیکاری از این طریق میسر است. اما دولت در عوض به کمک رساندن به سرمایه داران بزرگ و به کوشش برای برگرداندن سرمایه داران فراری مشغول بود!

بعد از "حق کار"، کارگران "حق بیکاری" میخواستند. آنها می گفتند تا زمانیکه دولت برای ما کار تهیه نکرده است، می باید بما "حق بیکاری" بدهد. باید پولی بدهد تا از گرسنگی نمیریم و بتوانیم بعداً دوباره کار کنیم. ما باید تا زمانیکه کار بدست نیآورده ایم شکم زن و بچه هایمان را سیر نگه داریم. کارگران می گفتند که در تمام کشورهای اروپائی و پیشرفته کارگران "حق بیکاری" میگیرند و در کشورهای سوسیالیستی زندگی شان از طرف دولت (کارگری) تأمین است. ما هم در اینجا "حق بیکاری" می خواهیم. دولت باید تا تأسیس "صندوق بیمه بیکاری" هر ماهه حداقل هزینه زندگی کارگران و خانواده شان را به آنها بپردازد. کارگران در تبریز، آبادان، تهران، اصفهان و در شهرهای شمال و... همگی خواهان "حق بیکاری" بودند. کارگران پیشرو بیکار در مده بودند که با تشکیل سندیکای کارگران پروژه ای (فصلی) و با کانون کارگران بیکار کارخانه ای، خواست خود را به دولت بقبولانند. آنها برای کارگران توضیح میدادند که "حق بیکاری" حق آنهاست. صدقه سرمایه داران نیست، حق بیکاری



چیزی جز قسمت کوچکی از دستمزد واقعی کارگران نیست که سالها به وسیله سرمایه داران به پنجا برده شده است. سرمایه داران، کارگران را استثمار کرده و هنوز هم استثمار میکنند، پس می باید در دوران بیکاری آنها را تأمین نمایند. مگر بیکاری را همین سرمایه داران با سودپرستی هایشان به وجود نیآورده اند؟ مگر طبقه کارگر توسط سرمایه داران دائماً استثمار نمیشوند؟ کارگران آگاه معتقد بودند با مشکل کارگران در سندیکاها و کانون بیکاران ارائه طرح "حق بیکاری" و فشار به دولت برای پذیرفتن این طرح، موفق میشوند. (*)

(*) - روز شنبه ۱۹ اسفند کارگران بیکار در محل کارگران بیکار" یا سازمان کارگران سابق جمع شدند و توسط "شورای موسس کارگران" که در ۱۷ اسفند تشکیل شده بود سه خواست زیر را مطرح کردند:

دولت موقت که از تأمین کار برای کارگران بیکار عاجز مانده است، در مقابل طرح "حق بیکاری" کارگران به شدت مقاومت میبوزد و بالاخره تحت فشار کارگران بیکار، برای خالی نبودن عریضه در روز ۵ شنبه ۲۴/۱۲/۵۷، طرح "وام بیکاری" را علیم میکند. طبق طرح "وام بیکاری" دولت: (***)

طرح وام بیکاری دولت

- ۱- وام بیکاری با معرفی آخرین کارفرما پرداخت میشود.
- ۲- این وام به کسانی که بدون میل و اراده خود بیکار شده اند، پرداخت میشود.

- ۳- پرداخت این وام ۱۰ روز پس از ابلاغ به وزارت کار شروع میشود.
 - ۴- این وام به کسانی که ۲۶ سال کمتر و ۶۰ سال بیشتر نداشته باشند، پرداخت میشود.
 - ۵- شرط استفاده از وام، پرداخت حق بیمه لاقبل یکسال متوالی و پیوسته از آغاز سال ۱۳۵۴ است.
 - ۶- کارگران ساختمانی که یکسال پیوسته یا منقطع در کارگاه ساختمانی مورد قبول وزارت کار کار کرده اند، از شرط پرداخت حق بیمه معافند.
 - ۷- میزان وام پرداختی این صندوق به کارگران مجرد ۷۵۰ تومان و متاهل ۹۰۰ تومان است.
 - ۸- برای هر فرزند کارگر بیکار ۵۰ تومان در نظر گرفته میشود.
 - ۹- در هر خانواده که زن و شوهر هر دو واجد شرایط باشند، تنها به یک نفر وام پرداخت میشود و اگر در یک خانواده زن یا شوهر کار کند، وام به کارگر بیکار پرداخت نخواهد شد.
 - ۱۰- پرداخت وام بیکاری از ماه اول به بعد موقوف به شرکت کارگر در دوره های آموزشی بسال بردن تخصص و بالا بردن مهارت است.
 - ۱۱- دریافت کننده وام پس از اشتغال دوباره به کار ۱۰٪ از کل حقوق و مزایای خود را باید به صندوق پرداخت کند.
 - ۱۲- وزارت کار مکلف است پس از ۶ ماه از تاریخ تصویب، پیشنهاد لازم برای ایجاد صندوق بیمه بیکاری تدوین کند.
- چرا وزیر کار از طرح وام بیکاری دفاع میکند؟
- کارگران طی مذاکرات خود با وزیر کار و معاونین وی و طی گردهم آیی هایشان بشدت به این طرح اعتراض کردند. کارگران بطور اصولی بر روی "حق بیکاری" با فشاری نمودند، (تحصن در وزارت کار) و احقاق حق بیکاری را به عنوان حق مسلم خود دانسته، طرح "وام بیکاری" را توطئه ای از جانب رژیم دانستند بد نیست برای فهم میزان اهمیت "حق بیکاری" برای رژیم به سخنان داریوش فروهر در اول فروردین ۵۸ در تحصن کارگران بیکار توجه کنیم. وی در این روز گفت:
- "... توضیح دادم که این طرح به پیشنهاد وزارت کار و تصویب هیئت وزیران و تأیید شورای انقلاب بوده است و من اکنون توانایی دگرگونی آنرا بالخصه ندارم..."
- وی در مورد پیشنهاد ۱۲ ماده ای کارگران بیکار که در آن بر روی "حق بیکاری" با فشاری شده بود، گفت:
- "شرف کارگری به کارگر احازه نمیده که بلا عوض (!) پول بگیرد، و میخواهم که این طرح وام بیکاری دقیقاً به صورت یک وام باقی بماند..."
- به این ترتیب روشن میشود که زمانیکه کارگران در حصن ها و اعتراضات خود حق بیکاری میخواستند، وزارت کار و هیئت وزیران و شورای انقلاب با عجله طرح "وام بیکاری" کذابی را تصویب نموده اند،

- ۱- ایجاد کار برای بیکاران
 - ۲- تشکیل صندوق بیمه بیکاری
 - ۳- لغو قانون ضد کارگری کار
- (*) - میدانید که رژیم منقر پهلوی نیز درصد گسترش صندوق وام بیکاری بود.

لیکن چرا آقای وزیر حتماً می‌خواهد که این طرح بسه صورت "وام" باقی بماند و صحبتی از حق بیکاری نشود؟ زیرا:

۱- حق بیکاری "به کارگران ناآگاه می - فهما ند که کل طبقه کارگر توسط طبقه سرمایه‌دار استثمار میشود، بنابراین زمانیکه عده ای از کارگران بیکار میشوند، دولت نمابنده سرمایه‌داران بایستی قسمت کوچکی از درآمد سرمایه داران را کسبه از استثمار کارگران حاصل شده است، بصورت حق بیکاری به کارگران پرداخت نماید. آقای وزیر کار میگوید: شرف‌کاری به کارگر اجازه نمیدهد که بلاعوض (!) پول بگیرد، مسلماً "شرف" وزیر دولت سرمایه‌داری به او حکم میکند که از منافع طبقه خود حمایت کند.

متزلزل و لرزان است. کارگران به شکل در سندیکا ها و کانونهای بیکاران "دل" نمیدهند. در عین حال طرح "حق بیکاری" میتوانست و میتوانست پشتیبانی کارگران شاغل را نیز بخود جلب نماید. در حالیکه طرح "وام بیکاری" فاقد این امکان است. و همین طور اینها بودند علی‌که بر طبق آن آقای فروهر "دقیقا" میخواست که این طرح به صورت "وام" باقی بماند و "حق بیکاری" مطرح نگردد.

کدام طرح به نفع کارگران است؟

"وام بیکاری" یا "حق بیکاری"؟

کارگر به فکر سیرکردن شکم و وزیر به فکر بزرگ کردن هرچه بیشتر جیب سرمایه داران!

حل اساسی مسئله بیکاری فقط در صورت استقرار جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری، طبقه کارگر متصور است.

به همین جهت "حق بیکاری" مطرح شده از طرف کارگران را پول "بلاعوض" قلمداد میکند. لیکن کارگران میدانند که "حق بیکاری" چیزی جز قسمت کوچکی از درآمد حاصل از استثمار خود آنان نیست. این حق آنهاست.

۲- آقای وزیر کار میگوید: "میخواهم که این طرح صندوق وام بیکاری دقیقاً (!) به صورت وام باقی بماند. زیرا وزیر دولت سرمایه‌داری قصد دارد طبقه کارگر را حتمیق کند. به کارگران بگوید که وام بیکاری صدقه ما به شماست، حق شما نیست، بلکه ما لطف کرده به شما وام میدهم. شما هیچگونه حقی ندارید و باید این پول را برگردانید! ۳- رژیم با طرح "وام بیکاری" قصد داشت تشکیلات کارگران بیکار را بهم بزند و تا حدودی هم موفق شد. رژیم از طریق "تشکیلات دولتی" اقدام به پرداخت وام به کارگران نمود. روشن است که در این حالت کارگران به صورت منفرد، در اینجا یا آنجا به دولت سرکار داشتند. طرح وام بیکاری به طریقی است که با سابقه ترین و معمولاً پیشروترین کارگران از این طرح برخوردار میشوند، بنا براین از کل کارگران بیکار جدا شده و به شکل خود نمایی پردازند. در این صورت کارگران در یک حالت بسی - تشکیلاتی باقی میمانند و قادر نیستند حتی همسان خواسته های ابتدائی خود را از دولت طلب نمایند. تا بحال هم کارگران بیکار از تشکیلات مناسبی برخوردار نبوده اند.

۴- رژیم با طرح "وام بیکاری" این امکان را یافته است که به توده های عظیمی از طبقه کارگر هیچگونه وامی پرداخت ننماید. بعد از گذشت سه ماه، از حداقل ۳ میلیون کارگر بیکار فقط به ۶۰ هزار کارگروام پرداخت شده است! (آنها ۷۵۰ تومان به هر کارگر بیکار، ۱۵۰ تومان برای زن و ۵۰ تومان برای فرزند) یعنی به دو میلیون و نهصد و چهل هزار (۲/۹۴۰/۰۰۰) کارگر بیکار و گرسنه (حداقل) هیچگونه پولی نرسیده است! بعد از تصویب طرح وام بیکاری، رژیم با آه و ناله به پرداخت آن اقدام نمود. کارگران بر علیه این طرح اقدام مبرهه پیمانگی و تحصن نمودند و از جمله روز ۱۱ فروردین بود که در دانشگاهی تحصن نمودند. در این روز کارگران طرح "اصلاحی" خود را به دولت عرضه کردند. بر اساس طرح اصلاحی کارگران پروژه ای میزبان وام (و نه حق) به ۹۰۰ تومان افزایش می یافت. برای زن ۲۰۰ تومان و برای هر فرزند ۹۰ تومان در نظر گرفته شده بود. محدودیت سنی و محدودیت داشتن دخترچه بیمه بر طرف شده بود و... "دولت موقت" در مقابل این طرح هم مقاومت نمود! و با بهانه اینکه این طرح ۲۷٪ به مخارج دولتی اضافه میکند از قبول آن شانه خالی کرد. (در صورتیکه همه میدانیم وضع مالی دولت بر طبق گفته خود دولت نه خراب بوده و نه حالا خراب است.) دولت بر اثر فشار بیشتر کارگران اطلاعات جزئی در طرح خود وارد نمود و لیکن میزان وام را افزایش نداد. دولت

ظاهراً طرح وام خود را به طرح وام اصلاحی کارگران نزدیک کرد، اما این فقط ظاهر قضیه بود. نتیجه وام دهی دولت بعد از گذشت سه ماه به خوبی محسوس این ادعا را ثابت میکند. به علت تبلیغات سوء دولت و علی‌که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد، کارگران دست از طرح "حق بیکاری" برداشتند و به این ترتیب به دولت این فرصت را دادند که حداقل تا مدتی به هدفهای خود دست یابد.

چرا کارگران بجای طرح "حق بیکاری" "وام بیکاری" را مطرح نمودند؟

به عنوان دلیل گفته میشد: از یک طرف نبودن شکل و آگاهی کارگران و از طرف دیگر خراب بودن وضع اقتصادی رژیم! ولی ببینیم آیا این دلایل درست بوده اند؟

در مورد وضع اقتصادی دولت، همانطور که خود دولتیان گفته اند، "فقیر نیستیم" (*) دو ماه پیش هم فقیر نبودیم، کوششهای هم که برای دریافت پول از مردم به عنوان مختلف (خریبه و...) صورت میگرفت برای جلوگیری از تورم بود. بهر صورت تفاوت چندانی میان "حق بیکاری" که به کارگران تعلق میگرفت و "وام بیکاری" دولت (در صورت درست پیاده شدن) وجود ندارد. لیکن دولت با علم کردن طرح "وام" میکوشید تا از "پایه" تشکیلات کارگران را مورد حمله قرار دهد و بالتجربه به توده های عظیمی از کارگران هیچ وامی پرداخت نشود.

چرا بسیاری از کارگران دنبال طرح دولت می‌روند؟

لیکن آگاهی و شکل کارگران بائین بوده، چه بسا در صورت مطرح کردن "حق بیکاری" و رد کردن "وام بیکاری"، کارگران پیشرو از توده های کارگر بیکار جدا افتاد و هر یک براه خود میروند. در این زمینه ما عقیده داشتیم که می‌بایست "حق بیکاری" را به عنوان طرح اصولی و بلاواسطه در سر قرار داد ولی وام بیکاری را رد نکرده (یعنی کارگران را از گرفتن وام بیکاری منع نگورده)، اقدام به افشاکاری در اطراف آن نمود. به کارگران توضیح داد که طرح وام بیکاری دولت هیچ وقت معجزه اولیه آنان را برآورده نخواهد ساخت. (همانطورکه ساخته است) شکمهای میلیونها کارگر را گرسنه نگه - میدارد و بقیه را که به این طرح امیدوارند سردوا - نده، و چیزی عایدشان نمی‌شود. درباره طرح "حق بیکاری" می‌بایست تبلیغ و ترویج و سازماندهی صورت گیرد و بر ضرورت اخذ "حق بیکاری" بعنوان حق طبیعی و مسلم کارگران تاکید و پافشاری گردد.

در حال حاضر طرح "وام بیکاری" اصلاحی، به صورت چانه زندهای بی نتیجه با دولت در آمده است و آینده ای هم ندارد.

چرا کارگران طرح "وام بیکاری" را بجای طرح "حق بیکاری" پذیرفتند؟

از یک طرف کار آگاهانه وسیع در میان کارگران صورت نگرفت و کارگران مبارز از "خانه کارگر" و بقیه امکانات خود نتوانستند به نحو مطلوبی برای تبلیغ "حق بیکاری" استفاده کنند، چرا که خودشان آنرا به مدتی بعد (۴ ماه بعد) موکول کرده بودند و عملاً هم کاری در این زمینه صورت نگرفت. از طرف دیگر تشکیلات دهی کارگران مدت زیادی به عقب افتاده است و کارگران در تهران (و درسیا - ری از شهرستانها) هنوز در ابتدای متشکل کردن خود می باشند. از آنجایی که در اطراف مضرات طرح "وام بیکاری" افشاکاری نشده است، کارگران بجای پیگیری طرح "حق بیکاری" به گرفتن "وام بیکاری" امید وار شده اند و از همین لحاظ پایه تشکیلات

(*) - حسن نزیه مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران در روزنامه آیندگان ۷ خرداد میگوید: "امروز، روزانه ۶۰ میلیون دلار از درآمد نفت عاید ایران میشود فراموش نکنیم در گذشته قسمت عمده این پول شاید ۹۰ درصد آن خرج خرید اسلحه میشد و... و یا: "گفتم بروید حسابهای شما را ببینید در بانک امریکائی ماها تان و بانک مرکزی الان ما ۱۲ میلیارد دلار ذخیره ارزی داریم. ما فقیر نیستیم!"

طرح انحرافی دیگر: "صندوق تعاون بیکاران"

در این میان بر اثر نبودن یک طرح اصولی در میان کارگران که بتواند آنها را به هم نزدیک کرده، متشکل نماید، طرحهای انحرافی دیگری نیز بروز نمود. بروز این طرحها به تشمت بیشتر کارگران دان من زد و باعث بحثها و روشنگرانه و بی مسود قرائتی گردید. کارگران را به جان هم انداخت و آنها را از مسیر اصلی خود منحرف نمود. یکی از مهمترین طرحهای انحرافی، طرح "صندوق تعاون بیکاران" بود. بد نیست آنکسی نیز به این طرح بپردازیم. در اعلامیه ای که از طرف "بخشی از کارگران بیکار" منتشر شده، آمده است:

تجربه چند ماهه ما کارگران بیکار نشان داد که مقامات مسئول دولت انقلابی موقت با بهانه های مختلف از تحقق خواستهای منطقی و بحق ما سر باز می - زند... سیل اتهامات ضد انقلابی، دروغگو، بی دین، خرابکار بطرف ما سرازیر شد و حتی مورد هجوم قرار گرفته تهدید به مرگ شده و متاسفانه هیچگونه حمایتی از طرف مقامات مسئول انجام نگرفته. امروز ما تصمیم داریم که سرنوشت خانواده های بی پناه و گرسنه خویش را خودمان در دست بگیریم و از همه آزادیخواهان و مقامات مسئول دولتی تقاضا داریم که در حد توان و امکان، ما را کمک کنند و از راهمافیهای حقوقی و معنوی دریغ نورزند. هموطنان عزیز، ما با تشکیل کمیته کاربایی و صندوق تعاون بیکاران تلاش خود را آغاز میکنیم و از وزارت کار و کمیسیون حقوق بشر و کانون وکلای دعوت میکنیم که با نظارت و راهمافی ما را در حل مشکلات یاری کنند.

انحرافی بودن این طرح خیلی زود در میان کارگران روشن شد. این طرح چیزی جز الطاف سرمایه داران (دولت و مقامات مسئول!) را به کارگران نبود نمیدهد. این طرح ذهن کارگران را از مبارزه برای خواستهای اساسی خود منحرف میکرد و کارگران را بجان یکدیگر میانداخت. این "طرح" از یک طرف معتقد بود که "دولت و مقامات مسئول" به نفع کارگران هیچ کاری انجام نداده اند و در عوض آنها را تهدید کرده، به آنها ضد انقلابی گفته اند، ولی از طرف دیگر، باز از همان "مقامات مسئول" می - خواست که به این صندوق کمک نمایند! این "طرح"

آقای فروهر میگوید: "شرف کارگر به او اجازه گرفتن پول را نمیدهد" باید بابیشان گفت که:

"حق بیکاری" صدقه نیست، حق طبیعی کارگراست

از آزادیخواهان میخواد که به این صندوق پول بریزند! و در واقع وظیفه دولت را انجام دهند! آیا ممکن بود بهتر از این به دولت سرمایه داران کمک نمود؟ این "طرح" از طرح پیشنهادی دولت هم پائین تر است. آیا نویسندگان طرح، عقب مانده و خوشحال نبوده اند؟

بهر ترتیب از نظر ما، تا وقتیکه یک طرح اصولی و اساسی در میان کارگران بیکار ریشه ندوانیده است، امکان بروز طرحهای انحرافی دیگر هم هست. "طرحهای" که فقط موجب هرز رفتن نیروهای کارگران پیشرو میشود و در نهایت چیزی عاید نمی نماید. از نظر ما این طرح اصولی "حق بیکاری" است. ما از تمام کارگران پیشرو و نیروهای آگاه دعوت میکنیم که حول اثبات حقانیت طرح "حق بیکاری" و طرد و نفی طرح کذابی "وام بیکاری" دولت، اقدام به افشاکاری نمایند. ادامه دارد...

از کارگران مبارز کارخانه مارگارین بیا موزیم

هشت ماه مبارزه بی امان کارگران :

کارگران کارخانه مارگارین در مه ماه سال گذشته برای گرفتن حقوق پایمال شده خود دست از کار کشیدند و خواستهای خود را به کارفرما اعلام کردند بعد از چند روز اعتصاب و مقاومت در مقابل توطئه های کارفرما ، بعضی از خواسته های خود را بزور از کارفرما گرفتند. این خواسته ها عبارت بود از :

۶ الی ۱۲ در صد اضافه دستمزد ، که برای هر کارگر ۲۷۰ تومان می شد .

۴۰۰ تومان حق مسکن و ۱۵۰ تومان حق خوار و بار برای کارگران متاهل و ۲۵۰ تومان حق مسکن و ۹۰ تومان حق خوار و بار برای مجردین .

سود ویژه از ۱۰ روز به ۱۵ روز در هر شش ماه .

البتة خواست های دیگری بود که از طرف کارفرما با مخالفت شدید روبرو شد و کارفرما توانست بنحوی کارگران را دست بسر کند . ولی کارگران مبارز کارخانه

مارگارین بدلیل آگاهی که داشتند ، مجددا در ۱۷ بهمن ماه دست از کار کشیدند و در آن نه تنها خواسته های

را که در اعتصاب قبلی از طرف کارفرما به آنها توجه نشده بود مطرح کردند ، بلکه خواستار اخراج سوری

رئیس مزدور کارخانه ، " مهندس پورکاسی " که فردی خودخواه ، مقام پرست و ضد کارگر بود ، شدند . کارگر

ان همچنین خواستار انحلال سندیکا ی فرمایشی و ایجاد سندیکا ی واقعی بدست خود کارگران شدند . کارگران

بعد از سه روز مبارزه موفق شدند رئیس کارخانه ، روسای کارگزینی ، انتظامات ، نقلیه و امور آداری که

در طول خدمت خود همواره سعی کرده بودند تا آنها را ممکن است کارگر کفی نمایند ، اخراج کنند . همینطور ، سندیکای وابسته را منحل کرده و ۸ نفر را بعنوان

اعضای سندیکای موقت انتخاب کردند . تا در مقابل کارفرما از حقوق آنها دفاع نمایند .

اعضای سندیکای موقت که نمایندگان واقعی کارگر بودند و از پشتیبانی یکپارچه کارگران برخوردار بودند ، در طول ۲ ماه مبارزه توانستند امتیازات زیر

را بتفع کارگران بدست آورند :

مرخصی سالیانه از ۱۲ روز به ۲۰ روز رسانند . همچنین ساعات کار را از ۵/۵ ساعت به ۴۷/۵ ساعت

تقلیل دادند ، بطوریکه روزهای پنج شنبه را خود اعضا سندیکا بدون موافقت کارفرما تعطیل اعلام کردند.

عیدی و پاداش از ۱۰ روز به ۲۰ روز در سال افزایش دادند . سود ویژه از ۱۵ روز به ۲۰ روز رسانند.

میزان روغن نباتی را که هر سال ۵ کیلو به کارگران میدادند به ۱۰ کیلو رسانیدند .

کارگران زحمتکش کارخانه مارگارین بعد از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی ، همچنان به مبارزه ات خود ادامه دادند . در فروردین و اردیبهشت ، کارگران و سندیکای واقعی آنها ، توانستند ماهانه ۴۰۰ الی ۵۰۰ تومان به عنوان اضافه تولید دریافت دارند .

کارگران در مقابل سرمایه دار ، وزارت کار و بک روحانی

نمایندگان کارگران برای افزایش حقوق که هر سال بعد از عید انجام میگردد ، با کارفرما وارد مذاکره شدند ولی کارفرما همواره آنها را به وزارت کار پاس میداد ، نمایندگان وقتی به وزارت کار مراجعه نمودند

وزارت کار (آقای صدوقی معاون آقای فروهر) به آنها گفت که شما خواسته های خود را نوشته و بما بدهید ما

خواسته های شما را در نوبت میگذاریم و به آنها رسیدگی میکنیم ، اگر منطقی بود جواب میدهیم. ولی همانطور که انتظار میرفت - چون از وزارت کار سرمایه داران و از وزیر کار سرمایه داران ، جز این انتظار

نیست - بعد از مهلت تعیین شده به نمایندگان جوابی داده نشد . این امر باعث شد که اعضا سندیکا مجددا به وزارت کار مراجعه کنند ولی سردانند کارگران به

وسيله وزارت کار همچنان ادامه داشت تا اینکه نما - پندگان متوجه شدند که دیگر نباید امیدي به وزارت کار داشته باشند ، لذا خود قاطعا وارد عمل شدند و

کارفرما را تهدید کردند که چنانچه دستمزد کارگران را افزایش ندهند، آنها مانع توزیع و فروش روغن از طرف کارفرما شده و خود آنها بدست خواهند گرفت .

برخورد قاطع کارگران موثر افتاد و کارفرما مجبور شد از سندیکا دعوت نماید که به اداره مرکزی رفته و با

کارفرما " لاجوردی ها " مذاکره کنند . اعضا سندیکا وقتی که به اداره مرکزی میروند متوجه میشوند که

آقای کارفرما از قبل یک نماینده وزارت کار و یک روحانی را با خود همدست کرده تا بدین وسیله موضوع را به نفع خود خنثی برده .

کارفرما به روحانی مجبور گفته بود تمام اعضا سندیکا کمونیست هستند و کمونیست ها در کار اینها دست دارند . این دروغ بیشرانه را کارفرما گفته بود تا با استفاده از جو ضد کمونیستی که روحانیت

به وجود آورده است بقول معروف ، گریه را دم جلسه بکشد ، در حالیکه حتی یک کارگر کمونیست هم در سندیکا نیست . در این موقع آقای روحانی شروع به نصیحت کارگر

ان میکند ، که یکی از اعضا سندیکا میگوید :

ما اینجا نیامده ایم . که برای ما موعظه کنید و یا سخنرانی گوش کنیم . اگر شما برای دفاع از حقوق ما به اینجا آمده اید نمیبایست از توی اطاق کارفرما سر در بیاورید . بلکه می بایست می آمدید کارخانه به

اتفاق ما به اینجا می آمدید . خلاصه بعد از گفتگو با آقای روحانی ، او سکوت را بر صحبت کردن ترجیح میدهد . و به این ترتیب حرف

حق کار خودش را میکند . نماینده وزارت کار هم که مانند روحانی فوق -

الذکر از اطاق آقای کارفرما سر در می آورد ، وقتی خودش معرفی میکند ، یکی از اعضای سندیکا با میگوید :

شما همان نبودید که در زمان شاه خائن می خواستی مرا به ساواک تحویل دهی ، یادترفته که مرا

تهدید کردی که اگر لران و بهمان کنی ساواک تحویل میدهیم . با این افشاکاری ، اعضا سندیکا ، این آقای

نماینده وزارت کار را هم سرچایش می نشانند و بسه او اجازه صحبت و دخالت در کارشان را نمی دهند . واقعا

که کارگران چه دردمندی برای دولتی که میخواهد از مهره های گذشته استفاده کند ایجاد نمیکند ! - در اینجا

اعضا سندیکا میمانند و کارفرما و هیئت رئیسه شرکت که همواره برای کارفرما دلایلی کرده اند ، و چماقسی

نامه کارگران حق طلب موزائیک سازی سپیده

ریاست محترم اداره کار استان بوشهر

ما کارگران موزائیک سازی سپیده اعم از بلوک زنی و شبکه زنی و دستبازی که برای منوچهر نجابت

ما کارگاه از ما میکنیم امروز ساعت ۱۰ مورخه ۵۸/۲/۵

گانه را تعطیل کنید البتة بنفیر از قسمت بلوک زنی که فقط ۲ کارگر دارد و منفعت بیشتر . در صورتیکه

قسمت عمده کارگاه که شامل استخراج موزائیک می باشد و ۱۰ کارگر دارد دستور تعطیل آنها میدهد .

ما کارگران نسبت به این عمل اعتراض میکنیم میگوئید چون مصالح و ما محتاج کارگاه موجد نیستی -

توانم فراهم کنم کارگاه را به غیر از بلوک زنی تعطیل میکنم . در صورتیکه از نظر ما کارگران که در

مثن کار هستیم خوب میدانیم که هم اکنون هم از نظر سیمان و ماسه تا مین است وهم فروش موزائیک خوب

است و هم بازده کار زیاد است . نکته ای که نباید گفته شود اینست که ایشان یعنی آقای نجابت ضمن

اینکه دبیر دبیرستان است و با یک پروانه کار سه بخش کار را در محیط ایجاد کرده است . باری مدت

ده دوازده سال است که برای ایشان کار میکنیم و به وسیله همین نیروها هستی که در مدت این چند سال اخیر

هدر رفته ایشان صاحب مال و منال و اتومبیل آخرین سیستم شده اند . بایک کلمه خیلی ساده میگویند

کارگاه را تعطیل میکنم . ما کارگران خود میتوانیم بدون وجود ایشان از هر لحاظ کارگاه را بچرخانیم

که کار تعطیل نشود . همانطور که ریاست محترم در جریان هستند که امروز کشور با یک کشور انقلابی

است و اوج بیکاری در آن به سرحد رسیده و از این موقعیت اگر ما چند کارگر توسط کارفرما بیکار شویم

تکلیف ما چیست ؟ تکلیف زن و فرزندان ما چیست ؟ تکلیف ما محتاج زندگی ما و کرایه مسکن ما چیست

می شود ؟ آیا کدام قانون بشری اجازه میدهد که آقای کارفرما بدون هیچ دلیلی نان ما و زن و بچه های ما را قطع کند ؟ هرچه زودتر بکار و وضع ما رسیدگی و اقدام فرمائید . ضمنا حسین سپهران منشی کارگاه هم در این جریان مدافع منافع کارفرماست و از ایشان هم شکایت داریم .

کارگران اخراج شده موزائیک سازی سپیده (متعلق به منوچهر نجابت)

هیئت رئیسه کارخانه که از این برخورد کارگران هاج و واج مانده بودند ، با تعجب به نمایندگان کارگران نگاه میکردند ، حتی یکی از آنها می پرسد : آیا در کارخانه چنین آدمهایی هم پیدا میشوند ما خبر نداریم ؟!

و میگوید : شما بحال کجا بودید که ما خبر نداریم ؟!

البته گفته های او دو جنبه دارد . یکی برای اینکه خودش را به نمایندگان نازل کند و از این طریق

بتواند آنها را رام کند . غافل از اینکه نمایندگان سوگند خورده اند که در برابر منافع کارگران و همکاران خود هرگز در مقابل کارفرما تسلیم نشوند . و تا

جان در بدن دارند از حقوق پایمال شده آنها دفاع کنند . از طرف دیگر چون برای هیئت رئیسه غیرمنتظره

بود که نمایندگان چنین رفتاری در برابر آنها نشان دهند ، آنها فکر میکردند که بتوانند از طریق شارلاتان

بازی (خاص جیره خواران سرمایه داران) ، بتوانند نمایندگان را رام و دست بسر کنند . ولی نمایندگان

چنان برتری و قاطعیتی از خود نشان دادند که کارفرما و هیئت رئیسه مجبور شدند ماهانه ۴۵۰ هزار تومان بابت

افاضه دستمزد بدهند . همچنین کارفرما را مجبور کردند که قبول کند شورای کارگران ایجاد شده ویر امور مالی

تولید و توزیع نظارت نمایند . نتایج ۸ ماه مبارزه

بطور خلاصه کارگران در این ۸ ماه توانستند در اثر اتحاد و یکپارچگی ، امتیازات زیر را از کارفرما

که سالیان درازی کارگران را استثمار میکنند و مانند زانو خون کارگران را می مکند ، بگیرند :

در مهر ماه سال ۵۷ :

گرفتن ۶ الی ۱۲ درصد اضافه دستمزد ۴۰۰ تومان حق مسکن و ۲۵۰ تومان حق خوار و بار برای

متاهلین (زن و بچه دارها) ۲۵۰ تومان حق مسکن و ۹۰ تومان حق خوار و بار برای مجردها .

افزایش سود ویژه از ۱۰ روز به ۱۵ روز در هر شش ماه .

اخراج رئیس کارخانه ، اخراج روسای انتظامات ، امور آداری ، نقلیه و کارگزینی .

انحلال سندیکای قلابی سابق و ایجاد سندیکای واقعی ، افزایش مرخصی از ۱۲ روز به ۲۰ روز در سال .

افزایش عیدی از ۱۰ روز به ۲۰ روز در سال . افزایش سهمیه روغن نباتی از ۵ کیلو به ۱۰ کیلو

دادن کفش ایمنی و معمولی به تمام کارگران که قبلا فقط به تعداد خیلی کمی در حدود ۴۰ نفر میدادند .

بهبود وضع غذا از لحاظ کمیت و کیفیت و استفاده یکسان از سلف سرویس برای کارگران و کارمندان .

گرفتن یک دستگاه آمبولانس و یک دستگاه اتوبوس جهت سرویس کارگران .

در اردیبهشت ماه سال ۵۸ :

گرفتن ۴۵۰ هزار تومان بابت اضافه دستمزد سال ۵۸

اعضا سندیکا آنها را بطریق زیرین کارگران تقسیم کردند : به کسانی که بالای ۵۵۰۰ تومان حقوق میگرفتند نفری

۴۵۰ تومان یعنی روزی ۱۵ تومان اضافه کردند . و کسانی که زیر ۵۵۰۰ تومان حقوق میگرفتند ، طبق ضوابط معین

تقسیم نمودند که تقریبا به هرنفر از روزی ۲۰ تومان تا روزی ۴۵ تومان اضافه شد .

بطوریکه حداقل حقوق در این کارخانه به همکاران کارگران ۶۰ روزی ۶۰ تومان رسیده است .

کارگران : ماسکت نمی مانیم

کارگران مارگارین میگویند :

آیا فکر میکنید که ما کارگران دیگر ساکت خواهیم ماند ؟ نه ! در جواب میگوئیم که ما به مبارزات بسی امان خود ادامه خواهیم داد ، چون اولاً تازه برای ما ثابت شده که چرا کارفرما تا بحال این میبانی را که ما در عرض این هشت ماه مبارزه گرفتیم بما نمیداده ، فکر میکنید این مبلغ کم است . ماهانه یک میلیون و سیصد هزار تومان یعنی ۱/۳۰۰/۰۰۰ تومان . میبینیم که کارفرما چه آسان این حق ما میخورد . حالا که آنسر کار گرفتیم ، او خم به ابرو نیاورد . چون این مبلغ قطره ای از همه حقوقی است که بواسیله کارفرما از ما بیست غارت برده میشود . دوما ، ما همچنان با دیگر برادران کارگران به مبارزه بر علیه تمامی سرمایه داران ادامه میدهیم تا در حالیکه جزئی از حقوق پایمال شده ما را بگیریم ، در نهایت نظام سرمایه داری را نابود کنیم . چرا که کارگران آزاد نمیشوند ، مگر روزی که نظام سرمایه داری را نابود کنند و دیگر سرمایه داری وجود نداشته باشد . گسترده تر باد جنبش کارگری ایران

ادامه از صفحه اول **سالروز شهادت** ...
 سالهای آغازین بحران، بدست رژیم جنایتکار پهلوی بخون کشیده شد.
 کارگران کوره پزخانه که تحت غیرانسانی ترین شرایط و با دستمزدی نازل برای سرمایه داران عرق می ریختند، و بحران اقتصادی آنان را در ورطه هلاکت افکنده بود، در تاریخ ۲۳ خرداد ماه ۱۳۳۸، برای سومین بار دست از کار کشیدند و برای مقابله با تورم و حشمتانگی که زندگی خود و خانواده هایشان را تهدید می کرد، یکپارچه و متحد خواستار ۳۰٪ اضافه دستمزد شدند. رژیم کودتا که هنری جز سرکوب و کشتار نداشت، گزه های خوتخوارش، ساواک، پلیس و ژاندارم را روانه میدان کرد.

مادرشان همراهشان نیستند از همان اول در روستا برای مدت معلومی خریداری می شوند و از آنها تا چند امکان کار می کشند. بعضی از کارگران پیش از سسی سال است که بطور مداوم همه ساله به تهران به سر کوره ها می آیند و بقول خودشان مزد ۲۰ ریال نیز یادشان است ولی اکنون اگر کار نکنند، شکم خود را نمی توانند سیر نمایند. فرزندان روستائی را در اوایل بهار از مدارس بیرون آورده به تهران می آورند و در اوایل پائیز با چهره هائی زرد و رنگ پریده به روستا بر می گردانند.

ب- گزارشی از اعتصاب کارگران کوره پزخانه های

خاتون آباد، قرچک:

از روز شنبه ۸/۲/۸۸ کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد بمنظور اضافه دستمزد و بهبود شرایط محیط کار دست به اعتصاب عمومی زدند و به دنبال آن عده ای از کارگران از کوره های مختلف براه افتاده و از کارگران دیگر خواستند از کار دست بکشند و همچنین از خارج کردن اجزای کوره توسط کمپرسورها جلوگیری نمودند و در غروب همان روز در خیابان های اطراف



کارگران کوره پزخانه برای شروع مجدد کار تظاهراتی در محل اضافه حقوق دارند - ماهوز ۱۳۳۸

گروه (جاده خراب) به تظاهرات پرداختند. پس از شروع تظاهرات افراد کمیته به محل آمده و شروع به تیر اندازی هوائی می نمایند که کارگران با سنگ و چوب افراد کمیته را مجبور به عقب نشینی می کنند. در روزهای بعد نماینده امام خمینی از قم می آید و با تفاق چند نفر که ادعا می کردند دانشجوی هستند، برای کارگران سخنرانی می نمایند. شخص مذکور که هیچگونه اطلاعی از اوضاع زندگی کارگران ندارد و خود به این سبب آگاهی اعتراض می کند، پس از اینکه از مشکلات کارگران با خبر می شود از کارگران می خواهد بخاطر آبروی امام و دولت به سر کار بروند، افراد کمیته که ابتدا کارگران را ضد انقلابی خوانده بودند با تعلق زیاد عذرخواهی نموده و می گویند ما از شما کارگران گله داریم که چرا مشکلات خود را با ما در میان نگذاشته، شروع به اعتصاب کرده اید و خلاصه به کارگران می گوید برای خود نمایندگی انتخاب کنید تا با آنها در مورد خواسته های شما صحبت شود و بدین ترتیب در روزهای سه شنبه و چهارشنبه کارگران کم کم اعتصاب خود را می شکنند. لازم به یاد آوری است که افراد کمیته پس از اعتصاب هر روز برای کارگران اجناس ضروری زندگی را آورده و با قیمت متعادل در دسترس آنها قرار می دهند، باین ترتیب باصلاح سعی می کنند دل کارگران را بدست آورند و باین ترتیب کارگران را از خواست برحق خودشان منصرف سازند. غافل از آنکه کارگران آگاه تر از آنند که فریب کمدی (مدقه) آنها را بخورند یکی از کارگران می گفت "ما صدقه از هیچکس نمی خواهیم ما خواستار حق خودمان هستیم چیزی را که ما می خواهیم حاصل زحمت خودمان است" در ضمن روز پنجشنبه گروهی دختر و پسر که خود را دانشجوی معرفی می کنند به میان کارگران رفته و به آنها مسائل دینی آموزش می دهند و در ضمن از کارگران می خواهند که به کار خود ادامه دهند، این عمل روز جمعه نیز تکرار می شود.

در مجموع در شورای نمایندگان اکثریت با نمایندگان مرتجع می باشد. در روز پنجشنبه ۸/۲/۸۸ عده ای دانشجوی دختر و پسر با مقداری دارو بعنوان پزشک به محل این کوره ها آمده و دختران ساعتی به زنان که مشغول جمع کردن آجرها بودند کمک کردند سپس آنها مقدار زیادی فقط قرص مسکن برای تمام درد ها تجویز کردند و همچنین مولتی بی آنها اصول دین یاد دادند و از کارگران استوالاتی در مورد اینکه آیا دانشجویه میان شما می آید یا نه و اینکه مواظب باشید گمراهان نکنند و ... می نمایند.

بد نبال اعتصاب خاتون آباد کارگران کوره پزخانه های قرچک اعلام با اعتصاب نموده شنبه ۱۵/۲/۸۸ و غروب همان روز از هر گروه يك نفر نماینده انتخاب نمودند که تعداد نمایندگان جمعا ۴۰ نفر شد. در این ناحیه (قرچک) حدود ۴ تا ۵ هزار کارگر در بیش از ۴۰ تا ۵۰ کوره کار می کنند. این کوره ها متعلق به حدود ۴۰ نفر است. کارگران کوره پزخانه ها اغلب از ناحیه خراسان و آذربایجان و کرد می باشند. کارگران خواهان ۱۰۰ تومان دستمزد به ازاء هر هزار عدد آجر می باشند و همچنین خواهان دستکش، کفش، لباس کار و فلاکس یخ برای تابستان و مزایای بیمه از آنجا که کارگران اکثر روستائی و مهاجر می باشند امکان شکستن اعتصاب توسط بعضی از آنها وجود دارد، به همین منظور يك گروه از کارگران که حدودا چهار صد یا پانصد نفر می باشند، سعی می کنند از شکستن اعتصاب توسط این عده جلوگیری نموده و آنها را به ادامه اعتصاب تشویق نمایند. بد نبال اعتصاب یکپارچه کارگران، روز یکشنبه بعد از ظهر که کارفرمایان بمنظور در هم شکستن صفوف متحد و متشکل کارگران در مسجد قرچک جمع می شوند و بر ضد کارگران به توطئه چینی می پردازند، در ضمن از نمایندگان کارگران نیز می خواهند که در جلسه آنان شرکت کنند. کارگران بمنظور کسب اطلاع همگی به مسجد می روند، در آنجا کارفرمایان دوتن از نمایندگان کارگران را ضد انقلابی خوانده و آنها را تهدید به دستگیری از طرف کمیته می نمایند. در اینجا کارگران به حمایت از نمایندگان خود برخاسته و اربابان را از مسجد فراری می دهند. فردای آن روز افراد کمیته به تحریک کارفرمایان بکوره پزخانه می آیند و هم چون چماق کارفرمایان وارد عمل می شوند و کارگران را ضد انقلاب می نامند. کارگری می گفت که ضد انقلاب که نمی آید توی کوره پزخانه ها با این شرایط طاقت فرسا کنار کند، او می گفت ضد انقلاب پول داره، ماشین داره، خانه داره، شما می بینید که ما کارگران جز رنج و بدبختی چیزی نداریم. یکی از افراد کمیته می گوید من دستور تیر اندازی دارم کارگری در جواب او یقه پیراهن خود را با ز می کند و می گوید: بزنی بزنی! این رفتار افراد کمیته بسا شدت عمل کارگران رهبر می شود، کارگران چوب بر می دارند و افراد کمیته پا به فراری می گذارند، در این میان کارفرمایان نیز جرات نمی کنند سر کوره ها حاضر شوند. نمایندگان کارگران که برای احقاق حقوق خود به کلیه مراجع قانونی مراجعه می نمودند و با پند و اندرز رهبر می شدند سرانجام تصمیم می گیرند بحضور آیت الله طالقانی بروند، بد نبال آن از ۴۰ نفر نماینده، ۵ نفر انتخاب شده و بینه ملاقات آیت الله طالقانی میروند و خواسته های خود را با ایشان در میان می گذارند. آیت الله طالقانی نماینده ای از جانب خود تعیین می نمایند که به مسائل رسیدگی کند، سرانجام نماینده آیت الله طالقانی با استناد به مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی وعده ۴۰٪ اضافه حقوق (۷۰ تومان بازا) هر هزار آجر) بعلاوه ۳۰۰۰ تومان پاداش سالانه و کفش و دستکش و وسائل بهداشتی را به کارگران می دهد، در ضمن قول می دهد که حقوق دور ان اعتصاب هم پرداخت شود. از ۵ نماینده ۳ نفر بسا طرح فوق موافقت نمودند و دو نفر دیگر خواهان امتیاز بیشتری بودند ولی سرانجام آن دو نفر نیز طرح فوق را می پذیرند. بد نبال این توافق شب چهارشنبه نماینده آیت الله طالقانی با بلند گودر کوره ها به کارگساران قول می دهد که به خواسته های آنان رسیدگی می شود و از آنها می خواهد که از فردا (صبح پنجشنبه) به سرکار بروند، بدین ترتیب کارگران از صبح پنجشنبه ۲/۲/۸۸ به سر کار باز می گردند.

اکنون که حدود یکماه از تهیه این گزارش می گذرد، کارگران مبارز کوره پزخانه ها توانسته اند به یمن اعتصابات وسیع و همگانی خود، میزان دستمزد خود را درازای تولید هر یک هزار آجر، تا ۱۰۰ - ۷۴ تومان افزایش دهند.

گلوله باران کارگران قهرمان کوره پزخانه ها که به شهادت بیش از ۵۰ تن، دستگیری دهها نفر از کارگران مبارز انجامید، فاجعه عظیمی بود که خلق را در ماتم نشاند. یادشان گرمی و راهشان پایدار باد! اکنون بیست سال از آن فاجعه خونباری گذرد. در میان کارگری که در حال حاضر در کوره پزخانه ها کار می کنند، اندک کسانی که خود شاهد آن جنایت فجیع بوده باشند. اصولا کسی که توانسته باشد، بیست سال در این شرایط جان فوسای کار دوام بیاورد، انگشت شمار است. با مقایسه شرایط زندگی و کار کارگران کوره پزخانه ها در بیست سال قبل و هم امروز، خواهیم دید که بهیچوجه از رنج و حرمان کارگران کاسته نشده است. لیکن طی این مدت طبقه کارگر تجارب گرانها - سی بریزه در طی مبارزات یکساله اخیر اندوخته است که بوی امکان می دهد با عزمی راسخ و درونمائی روشن در راه نابودی نظام ظالمانه سرمایه داری و برپائی سوسیالیسم، این یگانه راه رهائی زحمتکش، گام بردارد.

نوشته ای که در زیر قسمت هائی از آنرا برایتان نقل می کنیم، گزارشی است از کار و زندگی و مبارزات کارگران کوره پزخانه ها که به کوشش دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر (دانشگاه ملی) حدود يك ماه قبل تهیه و در سطح محدودی انتشار یافته است. کسانی که بخواهند در مورد کوره پزخانه ها اطلاعات بیشتری کسب کنند، میتوانند به کتاب "قیام کارگران خستمال" از انتشارات "نبرد برای رهائی کارگر" که تصویر زنده ای از از چگونگی شرایط کار در کوره پزخانه ها و همچنین مبارزات کارگران ارائه می دهد، مراجعه کنند.

الف: مختصری درباره وضعیت کوره پزخانه ها

کوره پزخانه های اطراف تهران عمدتا در نقاط خاتون آباد، ورامین، قرچک، جاده ساره متمرکزند. در هر کدام از نقاط فوق تعداد ۴۰ - ۵۰ تا حدود ۱۰۰ کوره در مجاور هم قرار دارند و در کنار هر کوره، خانه های کوچکی وجود دارد که کارگران عموما با خانواده شان در آنها بسر می برند. تعداد کارگرای که در هر کوره کار می کنند متناسب با ظرفیت کوره و حدودا بین ۴۰ - ۷۰ نفر می باشند، کارگران کوره پزخانه همیشه نموده بلکه فصلی هستند. در زمستان عده معدودی کارگر در کوره پزخانه بکار مشغولند. در کوره پزخانه کارگران بر حسب نوع کاری که انجام می دهند، به قسمتهای زیر تقسیم می شوند: کارگران خستمال، کورسوز، کوره چین و نژال کش ... کارگران کوره پزخانه با بصورت کثرتائی کار می کنند، یعنی بازای هر ۱۰۰ عدد آجر که چهار نفر برای تهیه آن کار می کنند و تشکیل اصطلاحا دستگاه را می دهند، مبلغی به آنها پرداخت می شود. معمولا يك دستگاه از يك مرد و همسر و فرزندانش که از روستاها آمده اند، تشکیل می شود. و مردی که تا قبل از اعتصاب اخیر دریافت می کردند بازای هر هزار عدد آجر حدود ۵۰ تومان بود. کارگران از ۱۵ فروردین به کار مشغول هستند، هنوز وضع دستمزد آنها مشخص نیست قبلا به ازاء هر هزار آجر حدود ۵۰ تومان می گرفتند و اکنون خواهان اضافه دستمزد می باشند. از نظر امکانات رفاهی زندگی، کارگران در وضع بسیار بدی بسر می برند. در يك اتاق کوچک گاهی تا ۱۰ نفر زندگی می کنند، آنها گاهی در هوای ۵۰ درجه بالای صفر و بیشتر کاری می کنند و بعلت نبودن حمام در محل دچار بیماریهای انگلی و پوستی می شوند در اکثر کوره ها از توالت و سایر لوازم بهداشتی خبری نیست. از نظر آب آشامیدنی يك تانکر آب برای همه افراد يك کوره وجود دارد. بهره کشی از کودکان به شدید تریس شکل انجام می گیرد، بطوریکه بعضی از اطفال که پدر و

روز ۱۵ خرداد به دعوت کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر میثینگی در دانشکده پلی تکنیک تهران برگزار شد که در آن قریب ۱۵ هزار نفر شرکت جستند. بنظر ما بزرگداشت این روز از طرف نیروهای غیر مذهبی از آنجهت ضروری بود که برخی میکوشند قیام ۱۵ خرداد را جدا از انگیزه ها و زمینه های اجتماعی - اقتصادی دانسته آنرا فقط و فقط ناشی از مبارزه روحانیت بدانند. ما نه تنها نقش روحانیت مبارز و هنگامی آن با مبارزات آتروزی خلق را نادیده نمیگیریم بلکه نقش بارز و تعیین کننده آیت الله خمینی را در قیام ۱۵ خرداد ارج میگذاریم. بدیهی است آنچه در یک برخورد علمی با یک پدیده اهمیت و سندیست دارد این است که همه جوانب و علل پدیده را در ارزیابی خود حساب آوریم و به یک جانبه نگری نیفتیم، عوامل روبنائی و عوامل زیربنائی را هر کدام در حد خود و حدت و شدتی که داشته اند بشناسیم.

برخی از نیروهای مترقی در رابطه با پیشنهادهای بزرگداشت ۱۵ خرداد از طرف نیروهای چپ عقیده داشتند که چون این روز، روز روحانیت و نیروهای مذهبی است ما نباید به برگزاری مراسمی اقدام کنیم. آنها با این نظر خود در واقع بر یک تحلیل و بر-داشت یکجانبه از قیام ۱۵ خرداد صحنه گذارده و راه را برای انحصارطلبی و جعل و تحریف بیشتر تاریخ باز مینمایند. روز ۱۵ خرداد همانقدر متعلق به زحمتکشان ایران است که سوسیالیست، بی آنکه بخوابیم و بی گدازیم. گیهای هر کدام را نادیده بگیریم. بهرحال از نظر ما این درست و وظیفه نیروهای مارکسیستی لنینیستی است که همواره موضع و تحلیل علمی و صحیح خود را به نحوی شایسته و با رعایت شرایط موثر بودن بسودن محافظه کاری ابراز دارند.

اما در میثینگ کنفرانس وحدت در دانشکده پلی تکنیک غیر از مقاله ای که راجع به ۱۵ خرداد خوانده شد پیامهایی هم از گروههای زیر قرائت گردید:

۱- دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر

۲- عده ای از کارگران شهر صنعتی قزوین (طرفدار کنفرانس وحدت) در قسمتی از این پیام آمده است :

ما عده ای از کارگران آبادان ، با داشتن این تجربه تلخ دیگر حاضر نیستیم زیر بار سازشکاران برویم . تنها راه نجات ما زحمتکشان وحدت و تشکیلات خودمان است . "

۳- عده ای از معلمان قزوین (طرفدار کنفرانس وحدت) :

۱۵ خرداد ۴۲ سالگرد قیام خلقهای رزمنده ایران در برابر سلطه امپریالیستهای بین المللی و سرمایه داری وابسته و دیکتاتوری منقور محمدرضا شاه را گرامی داشته و پیوند و همبستگی هرچه بیشتر خلقهای تحت ستم ایران را بر علیه استبداد و امپریالیسم بین المللی بسرکردگی آمریکار آرزو داریم .

۵- عده ای از کارگران شهرک اکباتان قسمت آزمایشگاه و سانترال :

۱۶- مبارزین کشتا ، مبارز ما بدست رژیمن منقور پهلوی و امپریالیسم آنها می گذرد . خلق قهرمان مادر ۱۵ خرداد ۴۲ برای محو کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم بیخاست و با فریادهای " نابود باد امپریالیسم " و " زنده باد آزادی و استقلال " به میدان مبارزه آمد . اما نوکران امپریالیسم آنها را به خاک و خون کشانیدند .

اکنون که رژیم منقور پهلوی در اثر مبارزات قهرمانانه خلق ایران به زباله دان تاریخ سپرده شده است باید برای تحقق شعار ، همه خلقهای قهرمان خود یعنی " قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم از پای نسیسیم .

۶- عده ای از کارگران صنایع الکتریکی البرز ضمنا چون روز ۱۵ خرداد مصادف با پنجم ژوئن سالگرد تجاوز اسرائیل به خلقهای عرب است مقاله ای در این باره ، در علل و پیامدهای این جنگ امپریالیستی صهیونیستی و اوچگیری مقاومت فلسطین بعد از جنگ ، خوانده شد .

در این روز ضرورت اتحاد کارگران ایرانی ریشه کن کردن استعمار و اتحاد خلقهای ایران و عرب برای ریشه کن کردن اسرائیل از بارزترین شعارها شد بود که بارها از سوی شرکت کنندگان تکرار میگردد .

۱- دورد بر شهادی بخون خفته خلق

۲- هرچه مستحکم تر باد پیوند روشنگران و کارگران ایران

۳- نابود باد سلطه امپریالیسم و ارتجاع داخلی

۴- برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلقهای ایران

تجاوز و کشتار جنگنده های عراقی محکوم است

در هفته گذشته جنگنده های عراقی به مرز ایران تجاوز کرده و روستاهای بیدفا عمارا مورد حمله قرار دادند . این حمله موجب کشته شدن چند تن از هموطنان ما گردید . چنین تجاوز و کشتاری تحت هر بهانه ای که صورت گیرد بشدت محکوم است . دولت عراق عنوان کرده است که برای پیگرد و سرکوبی عناصر قیاده موقت " دست به این جنایت زده است . در اینکه " قیاده موقت " مزدور ساواک و امپریالیسم و ارتجاع است ، شکی نیست . و در اینکه " دولت موقت " نه تنها اقدامی در سرکوبی این باند جنایتکار بعمل نمی آورد بلکه همکاریهای مشخصی نیز با این دار و دسته ارتجاعی داشته است ، در این نیز جای بحث نیست . ولی اینها هیچکدام نمیتوانند تجاوز و کشتار رژیم فاشیست عراق را توجیه کنند . بخصوص اگر توجه کنیم که فاشیستهای عراق همواره تحت عناوین فریبنده ای اعمال جنایتکارانه و ضد دمکراتیک خویش را پیش می برند .

آنها که تحت عنوان مبارزه با بارزانی مزدور ، از دادن حق تعیین سرنوشت به خلق کرد عراق سرپا زده اند ، امروز بهیچوجه نمیتوانند جنایت خود را تحت عنوان مبارزه با بقایای مزدوران بارزانی توجیه نمایند .

خانواده در روستای بوخه لو مبلغ بیست هزار تومان باج می خواهند وقت تعیین می کنند که تهیه کنند . دوزخ بعد خبر از شدیم که يك خانواده از این سه خانواده به شهر و يك خانواده دیگر به يك روستای دور دست کوچ کرده اند .

از میوان در مورد قیاده موقت (۵۸/۳/۱۴)

یکی از سنان قیاده موقت بنام " حنر ن " که به ناصح نیز مشهور است هر چند وقت یکبار با هواپیمای کرایه ای از کرج به سندانج آمده و به میوان می آید تا به پایگاه قیاده ایها سر برزند . اخیرا این شخص با عده معدودی از اهالی شهر که عمدتاً بازاری بوده اند تماس گرفته و توافقنامه ای را به شرح زیر امضا نموده اند :

- ۱- نیروهای قیاده با سیم پیشمرگهای کرد عراقی شناخته شوند .
- ۲- قیاده ایها در امور ایران دخالت نکنند .
- ۳- قیاده ایها از کارهای گذشته خود در میوان ابراز ندامت کنند .
- ۴- پیشمرگهای بدنام تغییر محل بدهند .
- ۵- پیشمرگهای مسلح به شهر نیایند .
- ۶- از انجام تظاهرات و پخش اعلامیه بر ضد قیاده خودداری کرد .

با توجه به اینکه تا کنون سران این دار و دسته ضد خلقی آزادانه در بین ما می چرخند و دولت موقت نه فقط هیچ مانعی در راه آنان ایجاد نمی کند ، بلکه کمکهای شخصی هم به آنها کرده است . معنای توافق نسوق چیزی جز رسمیت بیشتر دادن به " قیاده موقت " نیست . مسلما این دار و دسته ارتجاعی با استفاده از چنین امکاناتی وقتی به قدرت بیشتری رسیدند تمام این توافقات را نیز نقض خواهند کرد .

اخبار کردستان

از این شغل تامین می شده رفته بودند که هنگام عمل سرقت توسط صاحب خانه و بچه هایش مورد هدف قرار می گیرند که ضمن تیراندازی یکی از برادرزاده های محمد صدیق جاف از ناحیه کمر بشدت زخمی می شود ، سپس سه نفر دیگر او را سوار یکی از دو ماشین که همراه داشته اند کرده و ماشین دیگر را که يك وانت بوده از ترس جانی گذارند و فرار می کنند . اکنون فرد زخمی شده در یکی از بیمارستانهای سندانج بستری است و محمد صدیق جاف هم در فکر انتقام است .

طبق خبر رسیده ، روز چهارشنبه بنا به دعوت استاند ار کردستان محمد صدیق جاف وارد سندانج می شود و جلسه ای در استانداری مرکب از استاندار - محمد صدیق جاف - فرمانده ناحیه ژاندارمری و جمعی دیگر از روسای ادارات تشکیل می شود . این جلسه پیرو مذاکراتی است که يك هفته قبل از آن در ده بسطام و بسا شرکت فرسایند هتگ ژاندارمری کردستان ، فرمانده هتگ ژاندارمری سقز و چند تن از روسای ادارات سقز و محمد صدیق جاف انجام شده و در ضمن آن محمد صدیق جاف از تحویل دادن پاسکاهایی که در اختیار داشته خودداری کرده بود .

در این جلسه بطور قانونی امنیت منطقه بسطام (منطقه ای وسیع شامل چندین ده و پاسگاه در بین راه سقز - میوان) به محمد صدیق جاف واگذار می گردد و چنین تصمیم می گیرند اگر در این مدت صلاحیت نامبرده تأیید شد بازم کماکان حافظ امنیت منطقه باشد ، حال این صلاحیت را چگونه تشخیص می دهند بماند ، جالب اینجاست که فردای چگونگی افراد محمد صدیق جاف از سه

شب پنج شنبه (۱۱/۳/۵۸) بخاطر تخلیه يك کامیون آجر و مزاحمت توسط افراد کمیته مفتی زاده در سندانج درگیری مسلحانه ای بوجود می آید که در ضمن آن دو نفر بنام های احمد محمدی و برادرزاده او عزیز محمدی توسط یکی از افراد کمیته مفتی زاده از پای در می آیند . مردم پس از مطلع شدن از واقعه ، لا اله الا الله گویان تظاهراتی برپا می کنند و سپس با شعارهای " مرگ بر مفتی " - کمیته اسلامی ملفی باید گردد - قاتل تحویل باید گردد - به طرف کمیته می روند ، ابتدا از طرف کمیته - چو سی برای متفرق شدن جمعیت اقدام به تیراندازی هوائی می شود ولی جمعیت که از اعمال آنها بشدت ناراحت بوده به این عمل آنها واقعی نمی بیند و به ساختمان کمیته حمله می کنند و آنرا به آتش می کشند و تمام ائاشیه آن منجمله مقداری سلاح (توسط مردم عاملین خود مفتی زاده) مصادره می شود (در ایمن گیرواد کمیته چو ها قاتل را فرار می دهند) . بعد از مدتی که ساختمان در آتش می سوخت بخاطر خانه های مجاور آنرا خاموش نمودند . جنازه دو نفر همان شب بخاک سپرده می شود و مردم تا پاسی از شب را بیدار ماندند و میسبوسی هم که مربوط به کمیته بود ، آتش زدند . شورای شهر برای روز بعد اعلام نمود که کمیته ها در اختیار ما بوده و مردم نمی بایست دست به چنین کاری می زدند و کمیته را به آتش می کشیدند . ما با شکل دیگری مسئله را فیصله می دادیم .

هفته گذشته به دستور محمد صدیق جاف دو نفر از برادرزاده هایش همراه دو نفر دیگر از افرادی برای نزدیدن چند قطعه فرش قیمتی که متعلق به يك خانواده در روستای در منطقه افشار تکاب که زندگی آنها

نابود باد بقایای سلطه امپریالیسم